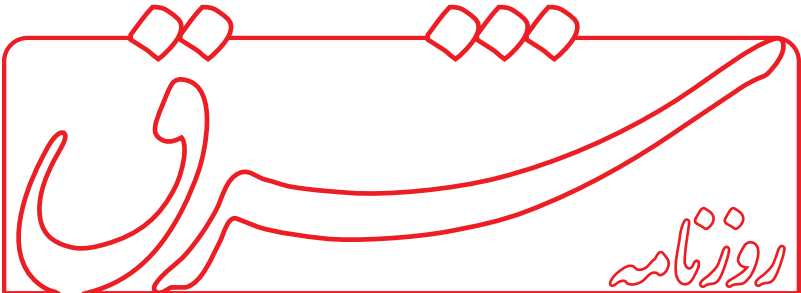




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ نمایر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۳۳-۲۳
توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز تلفن: ۶۶۱۸۳۱۳۰-۵
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶
www.sharhnewsaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۱ اذان مغرب ۲۰:۲۸ اذان صبح فردا ۴:۱۴ طلوع آفتاب ۵:۵۴



دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۱ - ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۴۳۳ - ۲۱ می ۲۰۱۲ - سال نهم - شماره پیاپی ۱۵۳۴ - شماره ۶۱۰ دوره جدید - ۲۰ صفحه

شکایت ۱۵میلیارد دلاری از «فیس‌بوک»



بی‌توجهی به حریم شخصی کاربران باعث طرح شکایتی ۱۵میلیارد دلاری از «فیس‌بوک» شده است. به گزارش تلگراف، این شکایت مجموعه‌ای از ۲۱ شکایت جداگانه است که به دادگاه‌های مختلفی ارایه شده‌اند و حالا یک دادگاه فدرال در سن‌خوزه قصد دارد به همه آنها رسیدگی کند. «فیس‌بوک» تا به حال بارها به علت نقض حریم شخصی کاربرانش تحت پیگرد قضایی قرار گرفته و در موارد متعددی نیز به پرداخت جریمه نقدی محکوم شده است. این اولین بار است که «فیس‌بوک» در خطر جریمه چندمیلیارد دلاری قرار می‌گیرد.

قطعه ۲۰۳

دویست و سومین قطعه

پوریا سوری

soori.poorya@gmail.com



■ صبح‌روزی که «استیو جابز» زندگی را بدرود گفت، به هوای نجات دادن گربه دختر همسایه‌ام (میو خاتوم) داخل آسانسور شدم. اما آسانسور سقوط کرد و در یک سفر پرخطر من را که گویا مرده بودم، به قطعه ۲۰۳ برزخ آورد. اینجا در برزخ خیمه‌های بزرگی هست که اهالی برزخ در آن زندگی می‌کنند. در قطعه ۲۰۳، استیو جابز، معمر قزافی، محمد رضا پهلوی، کیم جونگ‌ایل، دکتر مصطفی سرگنی پارانقاف، امی واین‌هاوس، سیمون دویووار، پابلو نرودا، ارنستو چه‌گووارا، ریچارد نیکسون، آگوستو پینوشه، ایرج میرزا، ژورف استالین، دکتر کافکا و البته حبیب غوله‌زندگی می‌کنند. ■■■

چه کسی می‌داند که چند سال باید در برزخ ماند تا روز آخر فرا برسد؟ چه کسی می‌داند که این جماعتی که زیر این خیمه جمع شده‌اند چند روز دیگر باید با هر زندگی کنند تا صور مدیده شود؟ چه کسی می‌داند که میهمان‌های بعدی قطعه ۲۰۳ چه کسانی هستند، کدام دیکتاتور؟ کدام زورگو؟ کدام ستمگر... چه کنم که از این دست اگر بخواهم بشمارم باید همه این چند خط را سیاه کنم، پس سیاه نمی‌کنم و فقط اضافه می‌کنم چه کسی می‌داند که کدام انسان (با همه خوبی‌ها و بدی‌هایش) میهمان بعدی این خیمه است؟ مسلماً آگاه به سطر‌های سپید و ستون‌های ناخوانده و نیامده، خالق بزرگ‌ترین رمان عالم وجوده همان نویسنده‌ای و ابداً است، اما آنچه من می‌توانم در این وابسین‌پادشت (این آخرین قطعه از ۲۰۳ قطعه، قطعه ۲۰۳ است) بگویم، این است که خطرات برزخ برای هر کسی اتفاق می‌افتد، تلخ و شیرین؛ سیاه و سفید؛ تاریک و روشن، به قول دکتر مصدق خطاب به محمد رضا شاه: دیر و زود دارد، سوخت و سوز ندارد. حرف آخر اینکه نمی‌دانم «میو خاتوم» قطعه ۲۰۳ را خوانده یا نه! اگر نخوانده که وای بر من که این‌همه نوشتم و کسی (آن کسی که باید) آن را نخواند، اگر هم خوانده و به سرنوشت من بی‌وا، خندیدند و چشم‌م همه عمر خیس؛ گاهی هم گریسته، این چند سطر پایی را برای او می‌نویسم که بخواند و بداند که «دنیای من بدون او یعنی، مرگ» و اگر از مرگ رها شده و در برزخ زندگی می‌کنم، به امید دیدار دوباره‌اش است و دلم روشن است که فردا حتی در برزخ هم، روز بهتری است.

نگاه سبز

سدهایی که خون رودخانه‌ها را در شیشه کردند

محمد درویش

@gmail.com ۱ Darvish



۲۹ رددیبهشت که می‌رسد، به روزی در تقویم‌های فعالان و نخبگان محیط‌زیست ایران برمی‌خوریم که نامش چنین است: «روز ملی حمایت از رودخانه‌ها در برابر سدهای بزرگ». روزی که چند سال است با برپایی گرده‌های‌ها و مناظره‌هایی در نقد جدی صنعت سدسازی در کشور توأم شده است و ریشه در نهضتی جهانی دارد که بیش از ۱۷ سال پیش پا گرفت و همساله در ۱۴ ماه مارس میلادی، می‌کوشد تا با برپایی همایش‌هایی علمی در بیش از یکصد کشور جهان، مردمان کره زمین را از عواقب نامیمون توسعه افسارگسیخته مدیریت‌سازهای در صنعت آب آگاه سازد.



اما چرا حاصل مهارت، شگرد یا صنعتی که قرار بوده نفع‌ت هرز آب‌ها را به نعمت بدل ساخته و با کاهش نرخ فرسایش و ویرانگری سیل‌های خادخیز، بکوشد تا ضربه امنیت غذایی و پایداری بوم‌شناختی سرزمین افزایش یابد؛ عملاً وارونه شده و کار به جایی رسید که

دو سال پیش، ۳۸ تشکل فعال در حوزه محیط‌زیست طی بیانیه‌ای، وزارت نیرو را به عنوان بیابان‌سازترین وزارتخانه کشور معرفی کرد؟ مگر این سدهای بزرگ و سیمان‌اندود قرار نبود تا تجربان دایمی در بستر رودخانه‌های فصلی کشور با تنظیم آب بیافرینند؟ پس چرا در عمل، دستاوردی وارونه آفریده و خون رگ‌های زمین را در شیشه کرده و بلعیدند؟! به راستی چرا باید هر جا که خبر خشک شدن تالاب یا دریاچه‌ای را در کشور می‌شنویم، رد پای ساخت یک سد در بالادست آن حوضه آبخیز را به عنوان یکی از متهمین اصلی رهگیری کنیم؟ چرا در ماجرای مرگ بختگان، طشک، کم‌جان، گلوخونی، آجی گل،

ارومیه، هورالعظیم، شادگان، هامون، مسیله و... نمی‌توان نقش سدهای سیوند، ملاصدرا، ۱۵ خرداد، آترک، زاینده‌رود، زرینه‌رود و... را نادیده گرفت؟

چنین دریافت‌هایی است که بسیاری از علاقه‌مندان به طبیعت ایران را نگران تداوم روند کنونی سدسازی در کشور کرده است و از همین روست که مراسم امسال، شاید اهمیتی دوچندان داشته باشد؛ مراسمی که قرار است از ساعت ۱۶ اول خرداد ۱۳۹۱ - در تالار سبز دانشکده مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی شریف برگزار شود؛ همایشی با حضور عالی‌ترین مدیران و تصمیم‌گیران حوزه سدسازی در وزارت نیرو - از جمله علیرضا دایمی (مشاور معاون

وزیر در امور مدیریت منابع آب و آب‌شناسی یونسکو)، هدایت فقهی (معاون دفتر برنامه‌ریزی کلان آب و آبفا)، مجید سیاری (معاون طرح و توسعه شرکت مدیریت منابع آب) و علی نوزاد (رییس دانشکده صنعت اب و برق) - که این‌بار برای قدردانی از زحمات و گرفتن نشان و لوح افتخار و سپاس دعوت نشده‌اند، بلکه آمده‌اند تا پاسخگوی سیل پرسش‌ها و انتقادهایی باشند که به راهبردها و سیاست‌های اعمال‌شده در وزارت سرزمین افزایش یابد؛ عملاً وارونه شده و کار به جایی رسید که

به عنوان یکی از منتقدان جدی مدیریت آب کشور، قدران شهامت این گروه از مدیران وزارت نیرو است که به جای انکار کردن و ندیده گرفتن و نشنیدن صدای منتقدان‌شان، تصمیم گرفتند تا در حضور دانشجویان هوشمند ایرانی و نمایندگان از رسانه‌های گروهی، مسئولیت‌شناسانه پرسش‌ها را بشنوند و از عملکرد خود دفاع کنند.

باشد که حاصل این هم‌اندیشی‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها به رعایت بیشتر توانمندی‌های بوم‌شناختی سرزمین در طراحی و جالبی‌بارگذاری‌های مسکونی، صنعتی، خدماتی و کشاورزی بینجامد.



علی درخششی

aderakhshi@yahoo.com

فروش کیسول‌های اکسیژن ۲ دقیقه‌ای به قیمت ۵ هزار تومان در داروخانه های کشور



■ ■

نگاه سبز

سدهایی که خون رودخانه‌ها را در شیشه کردند

محمد درویش

@gmail.com ۱ Darvish



۲۹ رددیبهشت که می‌رسد، به روزی در تقویم‌های فعالان و نخبگان محیط‌زیست ایران برمی‌خوریم که نامش چنین است: «روز ملی حمایت از رودخانه‌ها در برابر سدهای بزرگ». روزی که چند سال است با برپایی گرده‌های‌ها و مناظره‌هایی در نقد جدی صنعت سدسازی در کشور توأم شده است و ریشه در نهضتی جهانی دارد که بیش از ۱۷ سال پیش پا گرفت و همساله در ۱۴ ماه مارس میلادی، می‌کوشد تا با برپایی همایش‌هایی علمی در بیش از یکصد کشور جهان، مردمان کره زمین را از عواقب نامیمون توسعه افسارگسیخته مدیریت‌سازهای در صنعت آب آگاه سازد.



اما چرا حاصل مهارت، شگرد یا صنعتی که قرار بوده نفع‌ت هرز آب‌ها را به نعمت بدل ساخته و با کاهش نرخ فرسایش و ویرانگری سیل‌های خادخیز، بکوشد تا ضربه امنیت غذایی و پایداری بوم‌شناختی سرزمین افزایش یابد؛ عملاً وارونه شده و کار به جایی رسید که

دو سال پیش، ۳۸ تشکل فعال در حوزه محیط‌زیست طی بیانیه‌ای، وزارت نیرو را به عنوان بیابان‌سازترین وزارتخانه کشور معرفی کرد؟ مگر این سدهای بزرگ و سیمان‌اندود قرار نبود تا تجربان دایمی در بستر رودخانه‌های فصلی کشور با تنظیم آب بیافرینند؟ پس چرا در عمل، دستاوردی وارونه آفریده و خون رگ‌های زمین را در شیشه کرده و بلعیدند؟! به راستی چرا باید هر جا که خبر خشک شدن تالاب یا دریاچه‌ای را در کشور می‌شنویم، رد پای ساخت یک سد در بالادست آن حوضه آبخیز را به عنوان یکی از متهمین اصلی رهگیری کنیم؟ چرا در ماجرای مرگ بختگان، طشک، کم‌جان، گلوخونی، آجی گل،

ارومیه، هورالعظیم، شادگان، هامون، مسیله و... نمی‌توان نقش سدهای سیوند، ملاصدرا، ۱۵ خرداد، آترک، زاینده‌رود، زرینه‌رود و... را نادیده گرفت؟

چنین دریافت‌هایی است که بسیاری از علاقه‌مندان به طبیعت ایران را نگران تداوم روند کنونی سدسازی در کشور کرده است و از همین روست که مراسم امسال، شاید اهمیتی دوچندان داشته باشد؛ مراسمی که قرار است از ساعت ۱۶ اول خرداد ۱۳۹۱ - در تالار سبز دانشکده مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی شریف برگزار شود؛ همایشی با حضور عالی‌ترین مدیران و تصمیم‌گیران حوزه سدسازی در وزارت نیرو - از جمله علیرضا دایمی (مشاور معاون

وزیر در امور مدیریت منابع آب و آب‌شناسی یونسکو)، هدایت فقهی (معاون دفتر برنامه‌ریزی کلان آب و آبفا)، مجید سیاری (معاون طرح و توسعه شرکت مدیریت منابع آب) و علی نوزاد (رییس دانشکده صنعت اب و برق) - که این‌بار برای قدردانی از زحمات و گرفتن نشان و لوح افتخار و سپاس دعوت نشده‌اند، بلکه آمده‌اند تا پاسخگوی سیل پرسش‌ها و انتقادهایی باشند که به راهبردها و سیاست‌های اعمال‌شده در وزارت سرزمین افزایش یابد؛ عملاً وارونه شده و کار به جایی رسید که

به عنوان یکی از منتقدان جدی مدیریت آب کشور، قدران شهامت این گروه از مدیران وزارت نیرو است که به جای انکار کردن و ندیده گرفتن و نشنیدن صدای منتقدان‌شان، تصمیم گرفتند تا در حضور دانشجویان هوشمند ایرانی و نمایندگان از رسانه‌های گروهی، مسئولیت‌شناسانه پرسش‌ها را بشنوند و از عملکرد خود دفاع کنند.

باشد که حاصل این هم‌اندیشی‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها به رعایت بیشتر توانمندی‌های بوم‌شناختی سرزمین در طراحی و جالبی‌بارگذاری‌های مسکونی، صنعتی، خدماتی و کشاورزی بینجامد.

رادپو نوستالژی

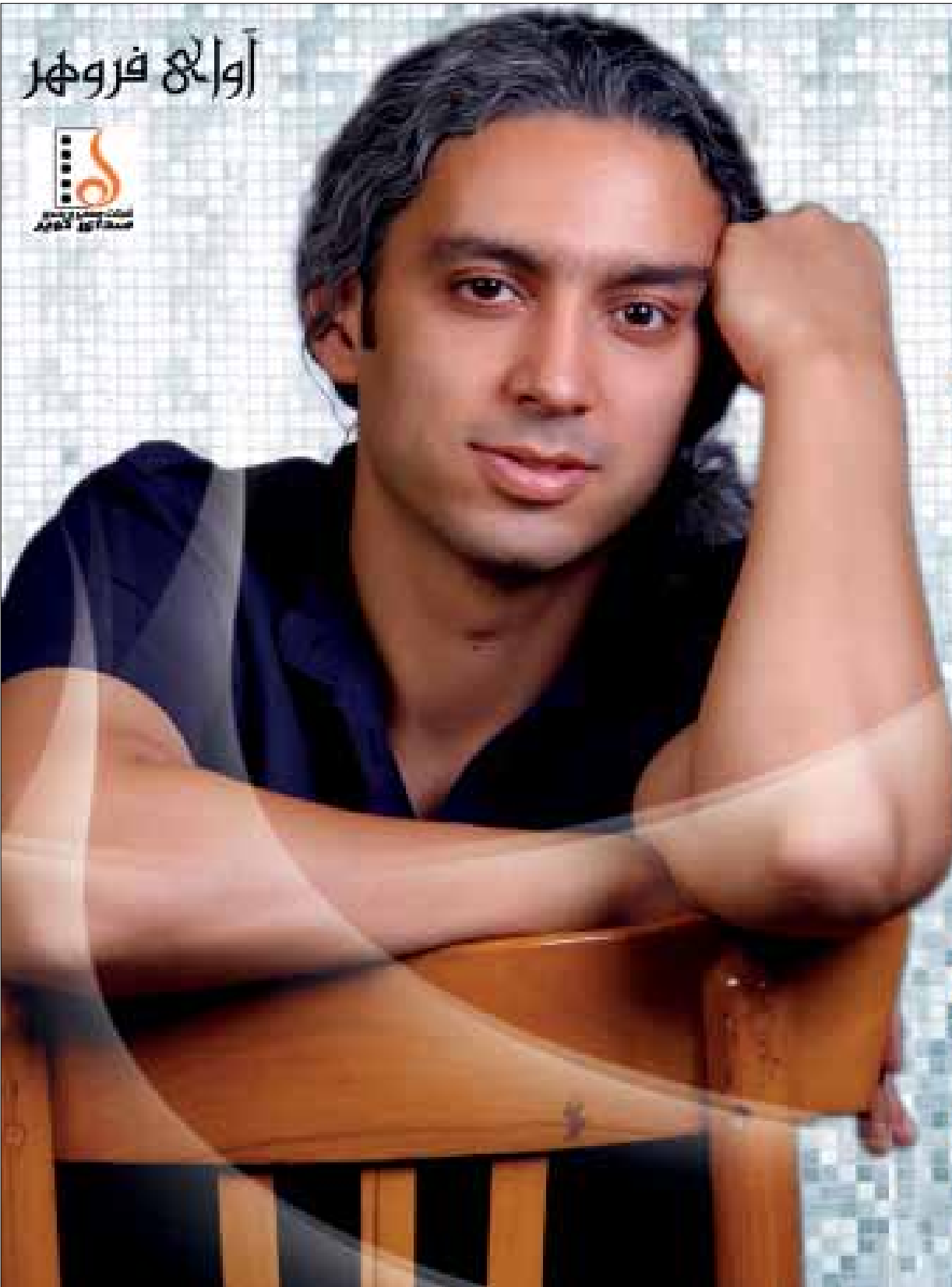
سوئدی‌های خوش‌قریحه

علی مسعودی‌نیا



■ ۱۹ سال پیش در چنین روزی، ترانه بسیار مشهور و خاطره‌انگیز «All that She wants» در صدر جدول برترین ترانه‌های بریتانیا جای داشت. این ترانه را گروه سوئدی «Ace of Base» اجرا و روانه بازار موسیقی کرد؛ گروهی که در دهه ۹۰ میلادی، با الهام از فرمت گروه‌های پاپ دهه ۸۰ (از قبیل آ‌بی‌سوپر‌میز و بانای‌ام) آثاری ملودیک، ساده و خوش‌آهنگ را برای شنوندگان عام موسیقی عرضه کرد و به موفقیتی چشمگیر رسید و بازار جهانی تازه‌ای را برای گروه‌های هموطن خود فراهم آورد. بعدها «سوئدیش پاپ» بدل به سبکی آشنا و پرهوادار شد که گروه‌های بسیاری را زیر چتر خود می‌گرفت. «Ace of Base» دو خواننده به نام‌های «هلین برگن» و «ینی برگن» داشت. عضو دیگر خانواده «برگن» یعنی «یوناس» - در کنار «ولف اکبرگ» کارناوژندگی، آهنگسازی و خوانندگی پس‌زمینه را در گروه انجام می‌داد. ترانه «All that she wants» هم محصول همکاری همین دو نفر است؛ ترانه‌ای که رنتمی چهارچهارم داشت که از منظر تمیو و آکورد، یادآور موسیقی آمریکایی مرکزی و سبک «رگی» است. اما آرایش آوایی آن به سبک «الکترو پاپ» نزدیک‌تر بود. اگر ستراسیون اثر کاملاً با سبب‌سازیر تهیه و تنظیم شده بود و یک متن ساده و سرخوشانه شد تا بازار جهانی موسیقی را با ملودی و ترجیع‌بند خوش‌آهنگش تحت‌تاثیر قرار دهد. این ترانه به سرعت در صدر جدول برترین ترانه‌های اروپا و آمریکا جا خوش کرد و کلیپ ساده، بی‌معنی و در عین حال خوش‌رنگ و لعابش هر روز به دفعات از شبکه‌های مخصص ویدیو موزیک بخش می‌شد. این موفقیت تنها مختص همین تک‌ترانه نبود. این ترانه در آلبومی به نام «Happy Nation» جای داشت که موفقیت اقتصادی کم‌نظیری را برای گروه به ارمغان آورد. سوئدی‌های خوش‌قریحه تا سال ۲۰۰۷ کنار هم ماندند، اما در نهایت با جدایی «هلین» و ترکیب گروه ناقص شد و تقریباً از هم پاشید؛ گروهی که شاید از منظر موسیقایی هیچ اثر ارزشمندی را تولید نکرد اما نوعی سادگی توأم با خوش‌سلیقگی در ترانه‌هایشان بود که بسیاری نوجوانان و جوانان دهه ۹۰ جالب و جذاب به نظر می‌آمد. پس اهالی «رادپو نوستالژی» را تنها دعوت می‌کنم به تجدید خاطره و زمزمه ملودی‌هایشان.

آوا ۸ فروهر



کنسرت بزرگ
۲۴، ۲۳، ۲۲
فلا مازیار
فرداد
mazyar falahi

آوای فروهر : (۱۰ ها)

ققنوس : (تهریش)

پالا : (پاسداران)

پرشیبا : (ولیعصر)

نکین :

آوانگار :

صدای کویر :

فروش اینترنتی :

(انتخاب صندلی هنگام خرید)

۲۲۸۸۸۶۸۷

۲۲۷۳۸۰۰۷-۲۲۷۳۸۰۰۷

۲۲۵۸۷۸۴۶

۸۳۸۸۰

۸۸۰۸۱۷۳۷ - ۸۸۰۸۴۳۷۶

۸۶۷۸۴

۷۷۳۱۵۱۵۷

www.iranconcert.com